



طبیعت و کودک

حتماً شما هم به خاطر دارید که معلم‌ها و دبیران در دوره‌های تحصیلی مختلف در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به ما می‌گفتند: «شما آینده‌سازان مملکت هستید...» و امروز همان آینده‌ای است که قرار بود ما بسازیم؛ به نظر شما، دهه شصتی‌ها با توجه به شیوه‌های آموزشی و نگرش‌های تربیتی که در مدارس آن‌ها وجود داشته است، آیا توانسته‌اند آن‌طور که شایسته بوده تأثیرگذار و سازنده باشند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، نیاز به آمارهای مختلف نیست؛ همین‌که شما یک هفته در خیابان‌های شهر راندگی کنید، چند دفعه به تفرج‌گاه‌های اطراف شهر بروید و به دادگاه‌های خانواده، کلانتری‌ها و... سر بزنید، متوجه انواع ناهنجاری در جامعه می‌شوید. آیا این ناهنجاری‌ها روایتگر افزایش چشمگیر معضلات فرهنگی، محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی نیست؟

آیا این رویه و سیر صعودی ناهنجاری‌های اجتماعی بیانگر آن نیست که باید امروز در شیوه‌های آموزشی خود تجدید نظر کنیم؟ سیستم آموزشی طی سال‌های بعد از انقلاب به کودکان ما چه چیزهایی داده و چه چیزهایی را از آن‌ها گرفته است؟ منطق حکم می‌کند ناکامی کودکان متولد دهه ۱۳۶۰ ریشه‌یابی و بررسی شود تا این رویه به دور باطلی برای کودکان امروز و جامعه تبدیل نشود؛ اما وضعیت کودکان امروز چطور است؟

کلیدواژه‌ها: کودک، طبیعت

کودک امروز

یونسکو دوره کودکی را تا ۱۸ سالگی می‌داند. صحبت ما درباره تمام کودکان ساکن سرزمین ایران، بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، نژاد، زبان، دین و مذهب است. کودک تا هجده سالگی به مراقبت و حمایت‌های جدی و مستمر از طرف خانواده، جامعه، نظام آموزشی، دولت و سازمان‌های حمایتی نیاز جدی دارد. دوره کودکی زمان طلایی رشد فکری و جسمی، رشد شخصیتی و عاطفی، کشف و شکوفایی استعدادها، تقویت قدرت تصمیم‌گیری و در نهایت افزایش قدرت استقلال و توانمندی در انتخاب است.

اما کودک امروز مجموعه پیچیده‌ای از نیازها، خواسته‌ها و توقعات است که با فناوری و شرایط روز جامعه پیوند خورده است. فضای عمومی و چیدمان شهری با توان جسمی و نیاز روحی او هماهنگی اندکی دارد. هم‌زیستی او با تبلت و زندگی آپارتمانی، نبود هم‌بازی، فضای نایمن در کوچه و ترجیح والدین بر ساکت و سرگرم بودن کودک در خانه، باعث رشد زندگی سلولی در خانواده‌ها و افزایش مسائلی چون بیش‌فعالی، اضافه وزن، کم‌تحرکی و انزوای طلبی در میان کودکان شده است.

البته در طرف دیگر، پدر و مادر بدون توجه به نیازهای طبیعی فرزندشان در دوره کودکی توقع دارند که او در آینده حتماً دکتر و دانشمند شود. به همین دلیل، او را از سنین پایین در کلاس‌های فشرده و منسجم متنوعی ثبت‌نام می‌کنند؛ ورود به مدرسه و آغاز ماراتن تحصیلی هم یکی دیگر از نقاط مشترک کودکان امروز است.

نیازهای طبیعی کودک

انسان هزاران سال در دامن طبیعت رشد کرده و با عناصر مختلف طبیعی مانوس بوده است. شاید امروز طبیعت به عنوان یک نیاز اساسی بشر تنها قلمی باشد که در سبب خانوار جامعه ما جایی ندارد! سبک زندگی و بافت شهرهای امروز کودکان را از حق طبیعی خود محروم ساخته و جایگزین‌هایی مصنوعی برای آن تعریف کرده است. کودکان ناچارند نیاز ذاتی خود به کنجکاوی و کاوش بازی و رویاپردازی در طبیعت را از طریق بازی‌های رایانه‌ای، که دارای هیجانانگیز و کاذب و مخرب است، رفع کنند. آیا ما بزرگ‌ترها و والدین برای رفع این نیاز طبیعی کودکان تلاشی کرده‌ایم؟ آیا به فرزند خود اجازه می‌دهیم گل بازی کند، به جای قلم با انگشت نقاشی بکشد و حشرات یا حیوانات را لمس کند؟

تهدیدهای موجود

آیا بستری مناسب برای بازی کودکان وجود دارد؟ جایی که امنیت و سلامت





گل‌بازی کودکان فراهم شده باشد و یا جایی داشته باشد که کودکان بتوانند به دفعات همدیگر را آنجا ببینند و با هم بازی کنند؟ غیر از مدارس که در طرح مدارس محیط زیستی یا سبز فعالانه کار می‌کنند، چند مدرسه را می‌شناسید که بستری برای کشت و زراعت دانش‌آموزان ایجاد کرده باشند؟ چند مدرسه را می‌شناسید که برای دروسی چون علوم، جغرافی، اجتماعی و تاریخ به کودکان فرصت حضور در طبیعت، کوهستان، سطح جامعه و موزه را بدهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که فرصت تجربه و لمس طبیعت را به کودکان بدهیم؟ آیا وقت آن نرسیده است که مدیران مدارس، معلمان و دبیران به روش‌های دیگر هم فکر کنند؟

ایده‌ای جدید و راهکاری مناسب

قاعدتاً بسیاری از ما دست کم ۱۲ سال روی نیمکت‌های مدرسه نشسته‌ایم، مدتی را پشت کنکور بوده‌ایم و احتمالاً در دانشگاه ادامه تحصیل داده‌ایم؛ برخی با هدف وعده‌زادی هم بی‌هدف و بدون هدایت تحصیلی. آیا در مدارس عادی کسی به دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی، حل مسئله، تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری و انتخاب درست را یاد داده است؟ مگر یک فرد بالغ و خودساخته در جامعه، به چیزی غیر از این مهارت‌ها احتیاج دارد؟ در کجا می‌توان به ارتقای چنین مهارت‌هایی به طور طبیعی و خودانگیزه امید داشت؟ ایده جدید و راهکار مناسب چیست؟ شاید برای پدران و مادرانی که در این نظام آموزشی رشد کرده‌اند و حتی برای معلمانی که ساختار آموزشی کنونی را مقدس می‌دانند، سخت باشد که نیاز حقیقی کودک به بازی و حضور آزادانه او را در طبیعت هضم کنند؛ در حالی که شرایطی فراهم شده است که کودکان ۳ تا ۱۲ ساله بدون ترس از قضاوت و مقایسه شدن با دیگر دانش‌آموزان، نمره و امتحان پایانی، ریاضی و دیگر دروس مدرسه را به کمک حواس پنج‌گانه و در مجاورت عناصر طبیعت به طور غیرمستقیم بیاموزند و درک کنند. مدرسه طبیعت ایده‌های جدید و راهکاری مناسب است برای هدایت تحصیلی در راستای استعدادهای ذاتی، شناخت جهان هستی، جامعه‌پذیری، رفع مسائل عاطفی ناشی از تک‌فرزندی و ده‌ها مورد دیگر.

حال چطور می‌توانیم نسلی را تربیت کنیم و پرورش دهیم که حقیقتاً آینده‌ساز مملکت باشد؟

کودکان در مواجهه با افراد و اشیا به خطر نیفتد؟ آیا مدارس فعلی غیر از زمان استراحت و کلاس ورزش، فعالیت خلاقانه‌ای دارند که نیاز کودکان به تعامل و کار گروهی را به دور از نمره و درس کلاسی رفع کند؟

شوربختانه طی ماه‌های گذشته اخبار ناخوشایندی از کودک‌ربایی، اذیت و آزار جنسی و حتی قتل کودکان در نقاط مختلف کشور منتشر شده است. بی‌تردید، این اخبار باعث افزایش حساسیت و نگرانی والدین برای فرزندانشان شده است؛ تا جایی که شاید محدودیت‌های سفت و سختی هم برای مرتکبان این جرائم اعمال کنند. در حالی که شاید کودک از برخی تهدیدها هیچ تصویری نداشته باشد و حتی برخی از آن‌ها را بازی و سرگرمی تصور کند. ساده‌ترین نوع تهدید، آسانسور است و البته کودکان آسانسوربازی را خیلی دوست دارند.

نوع دیگر تهدید از جانب فضای مجازی است؛ در حالی که فقر سواد رسانه‌ای در جامعه وجود دارد. برخی از پدر و مادرها هم صرفاً از ساکت و آرام بودن فرزند خود رضایت دارند و از اینکه چه تهدیدهایی در پس فضای مجازی وجود دارد، غافل‌اند.

فرصت‌ها

احتمالاً بوستان‌ها و پارک‌های جنگلی موجود در شهرها یکی از ابتدایی‌ترین فرصت‌ها برای خانواده و حضور کودک در فضایی شبیه به طبیعت است، اما چند پارک را می‌شناسید که در آن‌ها ورود به چمن آزاد باشد یا محلی برای خاک‌بازی و